

## حقوق تجارت

۷۴ قانون مزبور تشکیل شده باشد ولی مانعی ندارد که مزایای مزبور در اساسنامه پیش‌بینی و تصریح شود و قوانین بعضی از ممالک خارجه تصریح آنرا در اساسنامه راجع دانسته اند در صورت اخیر نمیتوان زائد بر آنچه در اساسنامه مقرر شده رجحان و مزایائی برای سهام مزبور قائل شد مگر پس از تغییر اساسنامه

ظهور این قبیل سهام در شرکتهای سهامی اغلب در مواقع افزایش سرمایه شرکت است

### ۶- سهم استقراضی

مثل سایر موارد قانون تجارت فقط در ماده ۲۲۱ اشاره باوراق و سهام استقراضی نموده و بطور سربسته مقرر داشته است که اگر شرکت سهام یا اوراق استقراضی داشته باشد که مطابق اساسنامه شرکت یا تصمیم مجمع عمومی قیمت آنها بطریق قرعه باید تأدیه شود و قبل از تأدیه قیمت آن سهام یا اوراق منافی که بآنها تعلق گرفته پرداخته شده باشد شرکت در موقع تأدیه اصل قیمت نمیتواند منافع تأدیه شده را استرداد نماید

ماده مزبور فقط ناظر منافع تأدیه شده است که در موارد خاصی قابل استرداد نیست و از چگونگی و کیفیت اوراق مزبور و حقوق دارندگان آن و مسئولیت شرکت در مقابل آنها صحبتی ننموده است

بدیهی است امور تجار و شرکت های تجاری همیشه بیک منوال نبوده و گاه ممکن است که سرمایه اولیه احتیاجات بعدی آنها را مرتفع ننموده و بوجوه بیشتری احتیاج حاصل شود - در این موارد چنانچه در گذشته ذکر شد از طریق افزایش سرمایه یا از طریق استقراض بر حسب مقتضیات تجاری و اقتصادی شرکت وجوه لازمه تهیه میگردد

که از محل منافع سالیانه شرکت برآورد گردد و دارندگان این قبیل سهام حق داشته باشند در صورتیکه منافع سالیانه شرکت تکافوی تأدیه ربح معین سهام مزبور را ننموده باشد قبل از آنکه چیزی بعنوان نفع بین دارندگان سهام دیگر شرکت تقسیم شود کسری گذشته را از محل منافع سال بعد جبران نمایند

علاوه بر مراتب فوق بطوری که اشاره شد تسری مزایا سرمایه نیز ممکن است باین ترتیب که دارندگان سهام ممتازه حق داشته باشند علاوه بر استفاده از منافع بشرح فوق در صورت انحلال شرکت نیز قبل از تقسیم مازاد سرمایه بین دارندگان سایر سهام شرکت تمام سرمایه را که آنها در مقابل سهام خود تأدیه نموده مسترد دارند و بعداً بقیه بین دارندگان سهام دیگر تقسیم شود - در اینصورت ظاهراً پس از تأدیه تمام سرمایه دارندگان سهام مزبور - یعنی آنچه که در مقابل سهام خود داده اند - دیگر بدارائی شرکت هیچگونه حقی ندارند مگر اینکه خلاف آن تصریح شده باشد

مزایا و خصوصیات سهام ممتازه باید صریحاً و منجزاً معلوم باشد و نمیتوان هیچ حقی را زائد بر آنچه دارندگان سایر سهام دارند تلویحاً برای آنها قائل شد و ضمناً نباید تصور رود که مزایای سهام مزبور انحصار دارد بموارد فوق - الذکر بلکه بانوجه بمصالح و مقتضیات شرکت میتواند هرگونه رجحان و مزایائی برای سهام مزبور بموجب تصمیم قانونی مجمع عمومی که مطابق مقررات قانون (ماده ۷۴) تشکیل شده باشد قائل شد

هرچند بر حسب مستفاد از مقررات قانون تجارت تعیین مزایا سهام ممتازه با مجمع عمومی است که طبق ماده

استقراض ممکن است بموجب اختیارات بطورقرضه معمولی انجام شود یا بوسیله انتشار سهام یا اوراق استقراضی در هر صورت اقدام بعمل مزبور نباید خارج از حدود اختیارات شرکت باشد و هرگاه شرکت نامه یا اساسنامه آنرا تجویز ننموده باشد قبل از اقدام بان تغییر شرکت نامه یا اساسنامه بنحوی که در گذشته ملاحظه شد واجب میآید

نظر به اینکه شرکت دارای شخصیت حقوقی است میتواند با داشتن اختیارات لازمه مثل اشخاص طبیعی در مواقع ضروری با شرایط معموله قرض کند یعنی میتواند بیانکها یا اشخاص پولدار مراجعه نموده و باطمینان اعتبارات تجارتي یا با وثیقه گذاردن اموال خود و جرملازمه را از آنها قرض و متعهد گردد اصل و فرع آنرا در موعد معین کارسازی دارد.

در این صورت شرکت از حیث حقوق و مسئولیت با اشخاص طبیعی هیچ تفاوتی نداشته و همان عملیات و اقداماتی که برای تأمین و وصول طلب نسبت با اشخاص طبیعی اجراء میشود نسبت بشرکت نیز قبل اجرا است مگر آنچه عملاً ممکن نباشد مثل اینکه اگر در نتیجه صدور ورقه لازم الاجرا شرکت از تأدیه دینی امتناع ورزد توقیف او عملاً ممکن نخواهد بود. در این قبیل موارد قانون اقدام مؤثرتری را پیش بینی نموده و آن تقاضا حکم بتوقف و ورشکستگی شرکت است.

گاه ممکن است تأمین قرضه بشرح فوق مقدور و میسر نبوده یا آنکه مصالح شرکت اقتضا کند که از طریق دیگری اقدام باین امر شود در قانون دو طریق بطور سربسته پیش بینی شده است

### ۱ - انتشار سهام استقراضی

### ۲ - انتشار اوراق استقراضی

سهام و اوراق استقراضی الفاظ مترادف نبوده و از تلفیق عبارات ماده استفاده میشود که هر يك دارای مفهوم خاصی است منتهای مراتب قانون گذار در تعریف و توضیح آن بر حسب معمول مسامحه نموده و فهم و استنباط آنرا بعهده

خواننده محول کرده است

چنانچه اشاره شد قرضه شرکت ممکن است با وثیقه یا بدون وثیقه باشد بنابراین اسنادی که در مقابل آن صادر میشود نیز باید مشخص و متمایز باشد و باین مناسبت با توجه قوانین ممالک بیگانه ممکن است پیشنهاد کرد که سهام استقراضی معرف قرضه ای است که در مقابل آن وثیقه سپرده نشده و اوراق استقراضی معرف قرضه با وثیقه است.

در اینجا باید متذکر بود که لفظ سهام از بابت استعاره و تنظیر باین قبیل اوراق اطلاق شده است زیرا چنانچه ملاحظه شد سرمایه شرکت های سهامی سهام مساوی تقسیم و مجموع قیمت آن معادل با سرمایه شرکت است در صورتیکه سهام استقراضی از این حیث ارتباطی با سرمایه شرکت ندارد بلکه تعدیل بر آنست لیکن چون دارنده این قبیل اوراق حق دارد و جوهری را که بشرکت داده است با منافع آن استرداد نماید و ضمناً اوراق مزبور نیز بشکل سهم صادر میشود لذا لفظ سهم بان اطلاق گردیده است

با توجه بشرح فوق سهام استقراضی روی اعتبارات تجارتي شرکتها و بدون داشتن هیچگونه وثیقه و تأمینی در مقابل صادر میشود و ربح آن ثابت و معین و نسبت منافع سالیانه شرکت متغیر نبوده در صورتیکه در اساسنامه شرکت مقررات خاصی نسبت بان پیش بینی نشده باشد تأدیه اصل و فرع آن تحمیل بر مجموع دارائی شرکت است

نشر این قبیل سهام اختصاصی شرکت های سهامی ندارد و اغلب اشخاص حقوقی که دارای اعتباراتی هستند مخصوصاً دول از صدور این قبیل سهام استفاده میکنند و معمولاً قرض های داخلی دول از این طریق انجام میشود

سهام استقراضی دولتی را ممکن است خزانه داری مملکتی مستقیماً صادر نماید یا بیانگهای ملی اجازه داده شود باعتبار خزانه داری مملکتی اوراق مزبور را انتشار دهد